



سیری بر تاریخ داستان پردازی
آوازی و موسیقایی در ایران

هوشنگ جاوید

سیری بر تاریخ داستان پردازی آوازی و موسیقایی در ایران

نویسنده: هوشنگ جاوید





چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۴۸۶-۷

سرشناسه: جاوید، هوشنگ، ۱۳۳۸ -

عنوان و نام پدیدآور: سیری بر تاریخ داستان بردازی آوازی و موسیقایی در ایران / پژوهش و نگارش هوشنگ جاوید: [برای] مرکز موسیقی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ج. ۲، در یک مجلد (۳۲۸ ص.).

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۴۸۶-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: نقالی -- ایران

موضوع: Naqqali -- Iran

موضوع: قصه گوئی -- ایران -- تاریخ

موضوع: Storytelling -- Iran -- History

موضوع: داستان های تاریخی

موضوع: Historical fiction

موضوع: منظومه های عاشقانه فارسی

موضوع: Romances, Persian

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، مرکز موسیقی

رده بندی کنگر: ۱۳۹۵/ج ۲/س ۹/PIR۴۲۱۲

رده بندی دیویی: ۸/۴۸۸

شماره کتاب شناسی ملی: ۴۲۴۷۱۵۶

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳

سندوق

پستی: ۱۵۸۱۵۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۴

تلفن مرکز بخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳

فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sooremehr.ir

نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

به یاد مرشد غلامعلی حقیقت، مرشد صادق‌علی شاه نقال و مرشد
ولی‌الله ترابی سفیدابی
تقدیم به استاد دکتر جلال ستّاری و روانشاد دکتر باستانی پاریزی،
و پسرانم آبتین، اهورا و کیومرث

فهرست

پیش‌نویس بر این کتاب ۱۱

بخش اول: داستان و داستان‌گزاری از دوره باستان تا پایان دوره آل بویه. ۱۵

سوابق داستان‌گزاری پیش از اسلام ۱۷

رامش و رامشگری یعنی چه؟ ۲۸

خنیا و خنیاگر یعنی چه؟ ۴۰

چامه چیست و چامه‌گوی‌ها که بودند؟ ۴۴

کوسان‌ها که بوده‌اند؟ ۵۳

لوریان یا کولی‌ها ۶۵

پیشینه تاریخی روابط ایران و عرب‌های حجاز در عهد ساسانی ۷۲

طبقات مردمی و طبقات رسمی و نقش آنان در دگرگونی تاریخی و ۷۷

آغاز دوباره هنر داستان‌گزاری در ایران و تغییرات آن در طول تاریخ .. ۸۲

داستان‌گویی در میان اعراب و تأثیرات آن بر داستان‌گزاری ایرانی .. ۹۲

لوریان و سرنوشت آنان پس از اسلام در ایران تاکنون ۱۰۴

زباریان، سامانیان آل بویه و رونق داستان‌گزاری در ایران ۱۱۰

قصه‌خوانان و قوالان ۱۲۱

بخش دوم: از پایان آل بویه تا آغاز عصر صفویه ۱۲۷

گذری بر پیشینه داستان‌گویی و داستان‌نویسی پیش از قرن چهارم ۱۲۹

- داستان کلیله و دمنه ۱۲۹
- هزار افسان ۱۳۰
- هزارستان ۱۳۰
- داستان سند باد ۱۳۰
- بلوهر و بوداسف ۱۳۰
- ویس و رامین ۱۳۱
- وامق و عذرا ۱۳۲
- خسرو، شیرین و فرهاد ۱۳۳
- نمرود پادشاه بابل ۱۳۳
- خلیل و رعد ۱۳۳
- شاد بحر و عین الحیوة ۱۳۳
- تاریخ نویسی و داستان گویی تاریخی از دوره ساسانیان تا قرون اولیه هجری ۱۳۵
- شاپورکان ۱۳۵
- دقاتر خلفا ۱۳۶
- مزدک نامه و زراوه ۱۳۶
- داستان بهرام چوبین ۱۳۶
- عهد اردشیر ۱۳۶
- اختیار نامه ۱۳۶
- شهربراز و ابروین (پرویز) ۱۳۶
- کارنامه انوشیروان ۱۳۷
- نامه مهرداد و هسیس موبدان به بزرگ مهر بختگان ۱۳۷
- نامه نوشیروان به مرزبان ۱۳۷
- سیره نامه ۱۳۷
- پیران و بسک نامک ۱۳۷
- سکیسران ۱۳۸
- خدای نامک ۱۳۸
- شروین و خرین ۱۴۱
- هنر داستان گزاری در قرون چهارم و پنجم هجری در ایران ۱۴۳
- روی کار آمدن محمود غزنوی ۱۴۴
- گرایش پارسی نواز کجا آغاز شد؟ ۱۵۱

- ۱۵۶ پیدایش هنر مقامه‌نویسی به طور خودجوش
- ۱۶۲ شاهنامه‌خوانی شاهنامه‌نویسی شاهنامه‌سراییی طومارنویسی داستان‌گزارى
- ۱۶۹ آداب و آیین داستان‌گزارى (تقالی) از زبان فردوسی
- ۱۷۲ نخست: پند دادن
- ۱۷۶ دو دیگر: حکمت‌آموزى و آموزش شناخت خدا و هستى
- ۱۷۸ سه دیگر: درست و شیوا بیان کردن داستان و اهمیت آن
- ۱۸۰ چهارم: بکارگیری شوخی و کنایه در داستان‌گزارى
- ۱۸۳ داستان‌گزارى پس از فردوسی و محمود غزنوى
- ۱۹۰ داستان‌گزارى دوره سلجوقیان و پدید آمدن شیوه‌های نو در داستان‌سرایى
- ۲۱۲ پدید آمدن ابومسلم‌نامه
- ۲۱۶ داستان‌گزاران در فاصله قرن پنجم تا هفتم چه کسانی بودند؟
- ۲۲۲ داستان‌گزارى از استیلای مغول تا عصر صفوى
- ۲۳۵ در آداب سخن گفتن
- ۲۳۶ در بیان قصه‌خوانان و افسانه‌گویان
- ۲۴۱ فهرست منابع و مأخذ بخش اول
- ۲۴۳ فهرست منابع و مأخذ بخش دوم

پیش‌نویسته بر این کتاب

محسن مهین‌دوست^۱

داستان‌گزاری یا تقالی پیشینه‌ای کهن دارد، و از آنجا که شرق و غرب نمی‌شناسد، و ذاتی انگاره‌های فرهنگ‌آوری، و سخن‌وری در زمان است، خود داستانی دراز دامن را گوشزد گوش و هوش شنونده، و یا خواننده ردیاب می‌کند! و اما آنچه به ایران زمین، و گستره‌ی اسطوره و حماسه، اوسانه^۲ و روایت‌های قومی، و اقوامی آن نشان‌بند می‌نماید، اصطلاح داستان‌گزار، و نقال بیانگر سخندانی و سخن‌وری چیره‌دستانی است، که از جمله، حافظه‌ی قوی و قدرت بیان داشته‌اند! داستان‌گزاری (تقالی) سوای هنر سخن‌گفتن، در روایت‌گری دلفینه‌دار، هنری چندسویه است، و آنکه در بین شمایل رخت بر تن دارد، فردوسی بزرگ، او را ستایش و یاد می‌کند! اینکه پیشینه، و گذشته‌ی داستان‌گزاری در ایران باستان، زمان شناخته شده‌ای را هنوز که هنوز برنتافته، خود نکته‌ای میان گمشده‌هاست! با این همه رد و خط اوسنه‌های پهلوانی و نیز اسطوره‌ای که به تاریخ و زندگی انسان می‌رسند و یا به راه همیشه تن

۱. پژوهشگر مردم‌شناسی و نویسنده

2. owsane.

می‌زند، در این یادداشت می‌توان به پهلوان‌نامه گیل گمش و هزاره سوم پیش از میلاد، اشاره کرد، که واگویه‌ای مثالی و فلسفی، از قوم سومر است، که به میان دورودان کوچ کرده، و در آنجا میان سامی‌نژادان فرهنگ و تمدن درخشانی را پی افکنده‌اند! حدس زده می‌شود الواح این پهلوان‌نامه، به هزارهٔ دوم پیش از میلاد صورت ساختاری و تدوین برگرفته است. نیز با توجه به آنچه در اکنون ما، نشانه‌های کهن‌تری را در جیرفت، نسبت به میان دورودان پیش روی باستان‌شناسان قرار داده است، حدس و گمان، نسبت به نقل و یا خاستگاه داستان‌گزاری، و نقل‌گزاره‌های اتفاق افتاده، و تخیل نامیرخواه، که تداوم زیست، و پیشهٔ بودن را معناپذیر سنگ‌نبشته‌ها، و جز آن کرده است، بیش از پیش بر آفتاب خواهد به افتاد. یادگار زیران که سوک نوبه‌ای حماسی، از دوران پیش از اسلام آوردن در ایرانیان است، هنگامی که در کار پژوهش میدانی، و باز به ویژه خراسان بزرگ قرار می‌گیریم، نشانه‌ها، و نقل سینه به سینه و زبان به زبان شدن آن، و بازنمایی نقلی و گزاره‌های حکایتی آن، و نمونه‌های دیگر قونیه، در تصانیفی که وجه نقل، نقالی را برمی‌تابد، قابل به شناخت است. این را از سر نمونه ذکر می‌کنیم، ورنه فی‌المثل رد و پی سهراب‌کشی در داستان رستم و سهراب، در گسترهٔ فرهنگ رسانه، و در بخش ادبیات شفاهی بسیار دیده می‌شود. داستان رستم و سهراب که حتی در نقل و نقالی آن، که برگرفته از فرهنگ حماسه، و از سینه برآمدهٔ ادبیات شفایی است، و در شاهنامهٔ حکیم توس آمده، تا چندی پیش، وجه نقل و گزارهٔ تراژیک آن، در میدان‌ها شنیده می‌شد. چنان که نمایشی و جای آن هم در دورهٔ صفویه، در یکی از میدان‌های سبزوار گزارش شده است. نمایش آیینی، و شبیه‌خوانی سوگ سیاووش و تعزیه که جای خود دارد. مسعودی، و

ابن ندیم^۱ از جمله اشاره‌هایی در نسبت دادن به داستان‌سرایی، اوسنه^۲ برآوری ایرانیان، پیش چشم پژوهنده قرار داده‌اند، که به گفته ابن ندیم^۳ اشاره می‌کنم: (محمدابن اسحاق گوید: نخستین کسی که افسانه سرود و از آن کتاب‌ها ساخت و در خزینه‌ها نهاد، فرس نخستین کسی بود که افسانه‌ها را از زبان جانوران بازگفت...) این اشاره چنان که گفته آمد، راه پژوهش‌های پیش رویمان را چندان بی‌پشتوانه، و نابه‌جا و بی‌جامه شناخت نمی‌کند. این نیز با بذل‌نظر به آنچه در دایره و گستره اسطوره، و به ویژه حماسه به وسیله گوسان‌ها، و جز آن قرار می‌گیرد، و فرهنگ نوشتاری و گفتاری و شفایی، ایرانیان و مناسک و باورداشتهای آن را تعبیر و تفصیل‌پذیر، همچنین تأویل‌بردار می‌کند، جای درنگ بسیار دارد. ادبیات شفاهی مردمان ایران زمین در سده‌های گران‌باری که به پشت‌سر گذاشته، مرزبردار و تحکم‌نما نبوده است، و داستان‌گزاری، که وجهی به تقالی برده است، از آنجا که با اوراد و زمزمه، و سوگ ندبه‌های حماسی، و نبرد نیکی و بدی همراه بوده است، هنگامی که با پژوهش میدانی، و تحقیق کتابخانه‌ای و جهانی رجوع‌دار آشنایی نشان دهیم، آن گاه زبان گفت (گفته) و کنش بیانی و زبانی اقوام گیتی، رمز و راز تداخل، و تداوم‌یافتگی داستان‌گویی، و داستان‌برآوری زمانی، و جغرافیایی را جهت طبقه‌بندی، در وجه زبان و فرهنگ، و نیازی ویژه را، که مثال چشمداشت مردمان و قبیله‌ها را نسبت به تقالی (داستان‌گزاری) برمی‌تابد، آشکار خواهد کرد.

اینکه استاد هوشنگ جاوید، از پژوهشگران حوزه موسیقی بومی، و به ویژه خراسان بزرگ است، و با کار در ساحت دل‌مشغولی مفید

۱. نگ، الفهرست.

2. owsane.

۳. در گذشته ۲۸۰ ه.ق.

خویش، به مقوله داستان‌گزاری و نقالی هم توجه نشان داده است، و این اثر را قلمی کرده، از این گذر است. انگار و داشت و برداشت ایشان به داستان‌گزاری، و نقل، که پیوند با کارهای پژوهشی دیگرشان دارد، نه تنها گذری و نظری، بل خط‌دهنده است. و پیدا است که در این زمینه، هر که هر چه نوشت و در پیش‌خوان کتاب‌فروشی‌ها دیده شد، گاهی بجا و مثبت به جهت شناخت بیشتر گذشته قومی به و فرهنگ نوشتاری و گفتاری مردمان است.

عنوان نقل جاوید به واگوبه‌ای از خویش، و قوم خویش است، که دورویی یک سکه، بی‌آنکه خطی و (شیر و خط) در میان باشد، پیش روی خواننده علاقه‌مند، و پژوهشگر مربوط قرار داده است.

مشهد - ۱۳۸۶

بخش اول:

داستان و داستان‌گزاری

از دوره باستان تا پایان دوره آل بویه

سوابق داستان‌گزاری پیش از اسلام

فن داستان‌گزاری که اینک آن را نقالی و روایتگری و حکایتگری نیز می‌گویند، به‌رغم آنکه هنری فرهنگ‌ساز است که در عهد باستان و کیانی نیز بنا بر شواهدی جزئی، اجرا می‌شده، اما تاکنون تاریخ مدون و مشخصی بر آن مترتب نگردیده و هیچ‌کس نمی‌داند که این گونه از هنر در چه زمانی پدید آمده است.

از فن داستان‌گزاری در عهد باستان و در ایران هیچ گونه سند ویژه‌ای به دست نیامده تا بتوان مسقط‌الرأس آن را بیان کرد.

تنها در سال ۱۸۷۰ میلادی جرج اسمیت، در کتابخانه مکشوفه مربوط به آشوریانی پال که در تپه‌های منطقه کویرنجیک^۱ در نزدیکی جایی که نمرود برج معروف خود را بنا نموده بود، در سی کیلومتری بغداد، موفق به کشف الواحی شد که حماسه گیل گمش را به همراه، داستانی مربوط به توفان بزرگ جهان هستی، که به نام «توفان نوح» می‌شناسیم یافت که در آن‌ها نامی از «نوح» نیامده، بلکه در داستانی که در آن الواح نقل شده است، کسی که ندای ساختن کشتی را می‌شنود «زیوسدرا» نام دارد او پادشاهی است صالح و پرهیزکار که از خدایان می‌ترسد، زیوسدرا هنگام خواب و در ساعات خواندن ادعیه و اوراد

1. Koyrenjik.

منتظر وحی و الهام آسمانی است، تا اینکه روزی در کنار دیواری ایستاده است که ندای یکی از خدایان او را متوجه می‌سازد، به وی اطلاع داده می‌شود که خدایان در مجمع خود مصمم شدند نوع بشر را نابودکنند.

این مجموعه مکشوفه اینک بخشی از مجموعه نیپور در موزه پنسیلوانیاست، آنچه که مهم است برخی از این پاره لوح‌ها در دوره باستانی بابلیان یعنی ۱۷ تا ۱۸ قرن پیش از میلاد تدوین شده است. روی چند لوح گلی که در آسیای صغیر به دست آمده و مربوط به نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد است ترجمه‌هایی از بعضی قسمت‌های همین منظومه دیده شده است که ترجمه به زبان «هیتی» و «هوری» که یکی از شاخه‌های زبان هند و ایرانی است^۱، می‌باشد و نشان می‌دهد که در سراسر خاور نزدیک داستان حماسه گیل گمش رواج داشته و به احتمال، نقد هم می‌شده و طرفداران بسیاری نیز داشته است که، هم ثبت شده و هم ترجمه شده است.

آنچه که برای ما مشخص است و سنگ‌نبشته‌ها و الواح‌های نوشته‌دار و مهرهای دارای نوشته به ما می‌گویند در قرون باستان نوعی وقایع‌گویی یا شرح ماجرا گفتن رواج داشته است که در طول دگرگونی‌های اندیشه بشر منجر به پدید آمدن دو هنر دیگر پس از اختراع خط گردیده است:

۱. تصویرنگاری وقایع^۲

۲. پندارنگارشی وقایع^۳

به عنوان نمونه پیش از روی کار آمدن دولت مستقل و بزرگ در

۱. برداشتی از کوه‌نشینان زاگرس، هرمز بیگلری، ص ۱۰۲ تا ۱۰۸

2. Pictographic

3. Ideographic.

ایران، الواح و ستون‌هایی است که از دوره آشوری در محدوده‌هایی از ایران بازمانده، چونان کتیبه «تنگی ور» در کردستان منطقه «پالنگان» در کامیاران و یا ستون کلشن در منطقه رواندوز که اینک جزو علائم نقاط مرزی ایران و عراق محسوب می‌گردد و یا کتیبه‌هایی که در خوزستان بازمانده.

یکی از شرح وقایع در این پندار نگارشی‌ها مربوط به زمانی است که آشوریانی پال پس از فتح ناحیه شوش در ۶۴۵ پیش از میلاد، در اثر شکست آخرین پادشاه ایلامی به نام «خوم بان کالداش»، مجسمه ننه (نه نه) رب النوع اریخ را که یک هزار و ششصد و سی و پنج سال در تصرف ایلامی‌ها بود به اریخ بازگرداند و پادشاه شکست خورده را واداشت که عرابه شاهی را از شوش تا معبد ایشتار بکشد و در کتیبه‌ای چنین پندار خود را شرح داده و نقر کرده است که:

من این مملکت را از عبور حشم، گوسفند و نیز از نغمات موسیقی بی‌نصیب ساختم و به درندگان، مارها، جانوران کویر و غزال اجازه دادم که آن را فروگیرند.^۱

آن گونه که در تاریخ آمده است پادشاهان آشور در سرزمین نینوا فخر خود می‌دانستند که شیر را به عنوان عزت و عظمت خودشان قرار دهند. و تنها نسخه‌ای که به ما نشان می‌دهد که در آن عهد سوگ حماسه‌هایی منظوم که به نوعی شرح وقایع را در خود داشته نیز نقل می‌شده که به احتمال موسیقایی - آوازی بوده است و شباهت بسیاری به «بیت خوانی» در کردستان امروز دارد، نسخه شعر گونه‌ای است از شخصی به نام «ناحوم بنی» که داستان گزار و شاعر بوده و پیش از سقوط دولت آشوریان سروده که در وصف نینوا^۲ است با این مضمون:

۱. کوه‌نشینان زاگرس، ص ۱۷

۲. عراق عهد باستان.